

بسم الله الرحمن الرحيم

سایت مدیریت اسلامی (<http://islamicmanagement.ir/>) تقدیم می کند:



نکاتی در باب تاکنیک مهم آتش به اختیار

«آتش به اختیار» چه هست؟ «آتش به اختیار» چه نیست؟

چکیده: بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع دانشجویان در ماه مبارک رمضان و نکات بسیار مهمی که در این دیدار بیان شد توجه‌های بسیاری را به خود جلب کرد. در این میان آنچه رهبری معظم در مورد مقوله «آتش به اختیار» بیان کردند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد و به نظر می‌رسد که شایسته است این توصیه و نظر رهبری معظم انقلاب مورد تحلیل ویژه و دقت نظر نیز قرار گیرد. از این رو در متن کوتاه پیش‌رو ابتدا متن دقیق بیانات رهبری و قرائن حاشیه‌ای آن مورد توجه قرار گرفته است و پس از آن در ده نکته تلاش شده است که آنچه آتش به اختیار به آن معنی نیست، در کنار آنچه آتش به اختیار به آن معنی هست، ذکر شود و مورد دقت نظر قرار گیرد.

+++++

تلاش‌هایی برای ایجاد سوء فهم

بلافاصله پس از بیانات رهبری در جمع دانشجویان دانشگاه‌ها به مناسبت ماه مبارک رمضان، فضای مجازی از عبارتی با عنوان «آتش به اختیار» که رهبری در این دیدار به کار برده بودند، پر شد. این مباحث به دیگر رسانه‌ها و فضاهای بحث در میان نیروهای سیاسی جامعه نیز کشیده شد. مطابق معمول جریان‌هایی که از بیرون از نظام خط می‌گیرند و مطابق خواست دشمن مسائل را می‌فهمند و مطرح می‌کنند سریعاً شروع به بیان مطالب بی‌ربط یا تلقی‌ها و تعابیر خلاف در این باره کردند. کسانی هم که دل صافی با نظام جمهوری اسلامی ندارند چه در داخل و چه در خارج، تلاش کردند تا بر سوء تفاهم از این عبارت رهبری بیافزایند و از آن مسائلی استخراج کنند که چنان که ذکر خواهد شد این سخن رهبری معظم از چنین سوء برداشت‌هایی خالی و با توجه به منظومه‌ی فکری و سخنان ایشان در همین رابطه در همان جلسه و در دیگر سخنرانی‌هایشان روشن است.

رهبری معظم انقلاب دقیقاً چه فرمودند:

پیش از آن که محتوای بیان رهبری را تحلیل کنیم شایسته است ابتدا دقیقاً عبارت‌های رهبری را یک‌بار دیگر بخوانیم و متن را یکبار دیگر با دقت مورد توجه قرار دهیم. عبارت مورد نظر در بیان رهبر معظم انقلاب چنین است:

«توصیه‌ی بعدی؛ تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاه. نگویید در دانشگاه دیگر نمیشود کاری کرد؛ شنفتم این را که بعضی‌ها می‌گویند که «آقا، دیگر در دانشگاه نمیشود کاری کرد»؛ نه آقا، در دانشگاه خیلی میشود کار کرد، اتفاقاً در دانشگاه باید کار کرد. چه کسی باید در دانشگاه کار بکند؟ شما. شما تشکّلها هستید که در دانشگاه باید کار بکنید. البته خطاب بنده در غیر از این جلسه به همه است؛ من به همه‌ی آن هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی در سرتاسر کشور مرتّباً می‌گویم: هر کدام کار کنید؛ مستقل و به‌قول میدان جنگ، آتش‌به‌اختیار. البته در جنگ، قرارگاه مرکزی وجود دارد که دستور میدهد، اما اگر چنانچه رابطه‌ی قرارگاه قطع شد یا قرارگاه عیبی پیدا کرد، اینجا فرمانده دستور آتش‌به‌اختیار میدهد. خب شما افسرهای جنگ نرمید - قرار شد شما افسران جوان جنگ نرم باشید - آنجایی که احساس میکنید

دستگاه مرکزی اختلالی دارد و نمیتواند درست مدیریت کند، آنجا آتش به‌اختیارید؛ یعنی باید خودتان تصمیم بگیرید، فکر کنید، پیدا کنید، حرکت کنید، اقدام کنید. گاهی اوقات انسان احساس میکند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند اینها دچار اختلالند، دچار تعطیلند؛ واقعاً آدم گاهی اوقات احساس میکند. حالا مثلاً فرض بفرمایید این همه ما مسئله‌ی فرهنگی در کشور داریم، مسائل مهم که شاید من بتوانم ده مسئله‌ی اصلی فرهنگی را بشمارم که اینها دچار مشکل است؛ فرض کنید مسئله‌ی سینما، یک مسئله‌ی مهم است، [یعنی] مسئله‌ی فرهنگی مهمی است که سینمای کشور چه جوری اداره میشود، از کجا پشتیبانی میشود -حالا پشتیبانی خارجی هم پیدا میکنند برای فیلم‌ها- اداره‌ی هنر کشور و سینما که چیز کوچکی نیست؛ مثلاً فرض کنید ده مسئله‌ی این جوری میشود پیدا کرد، [اما] ناگهان می‌بینید مثلاً فرض کنید اینکه فلان آهنگ قبل از افطار پخش بشود یا نشود، میشود مسئله‌ی اصلی؛ نامه‌نگاری میکنند! پیدا است که این دستگاه اختلال پیدا کرده که مسئله‌ی اصلی را از مسئله‌ی فرعی تشخیص نمیدهد و یک مسئله‌ی اصلاً بی‌اعتبار بی‌اهمیت فرعی را به‌عنوان یک مسئله‌ی اصلی، درشت میکنند. وقتی این جوری دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آن وقت اینجا جای همان آتش به‌اختیاری است که عرض کردم.»

زمینه‌های بیانات رهبری در همان جلسه چه بود؟

شایسته است که برای فهم بهتر عبارات ایشان به سخنان قبل و بعد ایشان در همان سخنرانی نیز توجه کنیم. برای پرهیز از تطویل به خبر تنظیم شده از سوی سایت دفتر معظم له در این باره مراجعه می‌کنیم تا محتوای مطالب قبل و بعد ایشان و جای قرار گرفتن این توصیه را مشاهده کنیم. (مخاطبان را به متن کامل سخنرانی ارجاع می‌دهیم.) مطابق این خبر رهبری معظم در میان این مباحث مطلب آتش به اختیار را مطرح کرده‌اند:

(حضرت آیت الله خامنه‌ای، «جمعیت جوان و با استعداد، منابع زیرزمینی، موقعیت ویژه جغرافیایی و پیشرفتهای جمهوری اسلامی» را از جمله واقعیات مهم کشور دانستند و گفتند: آرمانگرایی یعنی در مقابل موانع و مشکلات، جستجو و راه را پیدا کرد و این کار نیازمند بحثهای اندیشه‌ورزانه است.

ایشان در توصیه بعدی به دانشجویان از آنان خواستند که در حوادث گوناگون تلخ و شیرین، «نقش فعال» داشته باشند و همچون «تماشاچی» عمل نکنند. «تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب در دانشگاهها» نکته دیگری بود که رهبر انقلاب اسلامی بر آن تأکید کردند و با نادرست خواندن یأس و ناامیدی، گفتند: البته این خطاب، مخصوص دانشگاهها نیست و هر یک از هسته‌های جهاد فکری در سراسر کشور باید در این زمینه به صورت مستقل عمل کنند. حضرت آیت الله خامنه‌ای افزودند: گاهی دستگاههای مرکزی فکر، فرهنگ و سیاست، دچار اختلال و تعطیلی می‌شوند که در این وضعیت، باید افسران جنگ نرم، با شناخت وظیفه خود، به صورت آتش به اختیار، تصمیم‌گیری و اقدام کنند. رهبر انقلاب اسلامی همچنین تشکلهای دانشجویی را به برقرار کردن ارتباط واقعی با مخاطبان از طریق میزگرد، نشریه و بحثهای چند نفره و اکتفا نکردن به فضای مجازی توصیه کردند و در ادامه از آنان خواستند که چند کلید واژه اصلی همچون «استقلال»، «نقش مردم در حکومت»، «آزادی» و «نفی نظام سلطه» را فراموش نکنند و آنها را به درستی تبیین کنند.

نکات و تحلیل‌ها:

با توجه به آنچه ذکر شد به نظر می‌رسد که نکات و تحلیل‌های زیر را باید در این رابطه در نظر گرفت:

۱. اصل توصیه رهبری به جوانان دانشجو به عنوان افسران جنگ نرم و نیز همه «هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری، فرهنگی» در کشور است. موضوع این دستور نیز «تلاش جدی و همه‌جانبه برای غلبه دادن گفتمان انقلاب» است. یعنی آنها که در دانشگاه هستند این امر را در دانشگاه و آنها که در بیرون دانشگاه هستند در خارج از دانشگاه دنبال کنند.
۲. از این بیان رهبری معظم مشخص می‌شود که ایشان قائل به ضعفی؛ گاه جدی؛ در ستادها و مراکز نظام در تبیین گفتمان انقلاب اسلامی وجود دارد و در این رابطه اختلال‌ها و یا

خلاءهایی رخ می‌دهد که در این موارد دانشجویان انقلابی و دیگر هسته‌های فکری و عملی جهادی، فکری و فرهنگی باید ورود کنند و منتظر نمانند.

۳. بر خلاف برخی تصورات این بیان رهبری به منزله‌ی قطع امید از ستادها و مرکزیت‌های موجود در نظام در این رابطه نیست. بلکه بیان ایشان به این معنی است که اختلال یا تعطیلی این ستادها و مراکز در مواردی نباید منجر به بی‌عملی نیروهای انقلابی در تبیین گفتمان انقلاب اسلامی شود. به عبارت ساده‌تر نباید به بهانه‌ی این که فلان نهاد یا وزارت خانه مشکل دارد و حرفها و جهت‌گیری‌هایش مطابق انقلاب اسلامی نیست، دست روی دست بگذاریم و منفعل شویم. بلکه تا زمانی که آن وزارت خانه یا نهاد یا مرکز اصلاح شود باید به صورت خودجوش در تبیین گفتمان انقلاب اسلامی بکوشیم. پس این به معنی قطع امید و دست شستن از وظایف نهادهای و ستادها و مرکزیت‌ها نیست. آنها هم موظف به اصلاح خود هستند و باید هر چه سریعتر از حالت اختلال و یا تعطیلی در آن مورد خاص خارج شوند و وظیفه‌ی خود را انجام دهند.

۴. رهبری در طول سالیان گذشته بارها و بارها از مردمی کردند فرهنگ و حضور مردم در دفاع از نظام و گفتمان انقلاب اسلامی صحبت کرده بودند. به نظر می‌رسد که این بیان رهبری رابطه‌ای جدی با آن دغدغه و توصیه‌ی ایشان دارد. یعنی منظور این است که دفاع از فرهنگ انقلاب اسلامی و تبیین گفتمان انقلاب اسلامی به صورت خودجوش و توسط خود مردم صورت گیرد. این فعالیت‌های خودجوش مردمی و این حرکت‌های مؤمنانه جوانان نشان از آن دارد که روح و فکر انقلابی در بدنه‌ی مردمی وجود دارد و این باید تقویت و به کار گرفته شود.

۵. نکته‌ی مهمی که باید به آن توجه کرد این است که «آتش به اختیار» بودن در این شرایط به معنی تجویز بی‌نظمی و هرج و مرج و خودسری و کار ضد نهادی و ضد ستادی و یا حرکت‌های تخریبی و مانند آن نیست. اصولاً این دستور که رهبری می‌فرمایند در مواردی که ستاد مختل یا تعطیل است معطل نشوید و بی‌عمل نمانید و این را بهانه‌ی منفعل شدن

قرار ندهید؛ نمی‌توان از آن فهمید که تخریب کارهای ستادی و یا رفتارهای ضد نهادهای رسمی در این‌جا مثلاً دولت یا وزارت‌خانه‌ها و یا تلاش برای تخریب آنها دستور داده شده است. به همان تمثیل که رهبری کردند توجه کنید: در حرکت نظامی اگر بی‌سیم‌ها مختل شد و یا مرکزیت به حالت تعطیل درآمد از افسران خواسته می‌شود که به صورت آتش به اختیار؛ درایت و درک میدانی خود را برای انجام فعالیت و وظیفه‌شان به کار گیرند. این به معنی حمله به ستاد و یا نفی کار منظم نیست.

۶. همچنین باید توجه کرد که «آتش به اختیار» به معنی آتش گشودن به هر سمتی و رگبار بستن بی‌هدف و یا انجام فعالیت‌های کور و بی‌برنامه نیست. آتش به اختیار فرمودند، نه حرکت تخریبی بی‌حساب و کتاب. آتش به اختیار یعنی آن فرماندهی میدانی را و آن افسر فعالی که در تبیین گفتمان انقلاب اسلامی وظیفه داشت، چنان با درایت و صاحب بلوغ فکری بدانیم که به او بگوییم اختلال در ستادها و یا تعطیلی آنها در مواردی باعث بی‌عملی و کوتاهی تو در انجام وظیفه‌ای که می‌فهمی نمی‌شود.

۷. به طور مسلم آنچه رهبری در باب آتش به اختیار فرمودند نقدی و گلایه و اشکالی به نهادها و مراکزی است که موظف به سیاست‌گذاری و تبیین حمایت از گفتمان انقلاب اسلامی و غلبه دادن به آن هستند. چه این نهادها دولتی باشند و چه حاکمیتی. این بیان رهبری که اختلال، یا تعطیلی در این مراکز دیده می‌شود؛ مسلم نقدی جدی به آنهاست. اما باید توجه داشت که وقتی رهبری فرمودند اختلال یا تعطیلی آنها باعث نمی‌شود شما وظایف خود در تبیین و غلبه دادن به گفتمان انقلاب اسلامی را رها کنید، نمی‌توان نتیجه گرفت که دستور مقابله یا حمله یا تخریب نهادهای دولتی یا حاکمیتی را داده‌اند.

۸. در تحلیل چرایی و مبنای این دستور رهبری نیز باید توجه داشت که از منظر رهبری انقلاب اسلامی یک انرژی عظیم متراکم و یک استعداد جدی اکتشاف نشده و استفاده نشده از مردم و نیروهای انقلابی و حزب الهی در حمایت و تحقق اهداف گفتمان انقلاب اسلامی وجود دارد که متأسفانه برخی نهادهای دولتی و حاکمیتی از استفاده صحیح و

درست از این نیرو کوتاهی کرده و می‌کنند. رهبری بارها به دولت و دیگر مسئولان تذکر دادند که خود را از استعداد و توان غنی و جدی مردمی و حزب الهی و نیروی قدرتمند و پرتوان و پرانگیزه‌ی آنها محروم نکنند. بارها متذکر شدند که به اسم افراطی و تندرو حزب الهی‌های جوان را کنار نزنند. بارها بیان کردند که برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی باید فرهنگ مردمی شود، حتی اقتصاد و سیاست و ... هم. حال به نظر می‌رسد که آن روی همین مطلب بیان شده است. این نیروی عظیم حزب الهی متراکم در میان مردم، این جهت‌گیری انقلابی پر توان نباید معطل ناکارآمدی برخی دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی در برخی عرصه‌ها بماند. حرکت‌های انقلابی در میان مردم باید زنده بماند. انقلاب نباید دچار رکود ناشی از تنبلی و کم تحرکی ادارات دولتی شود. این اساس کار است. حرکت‌هایی مانند اردوهای جهادی، فعالیت‌های جهادی در سازندگی، کارهای فرهنگی مردمی در مساجد و رسیدگی به نقاط محروم کشور که به صورت خودجوش بدون معطل شدن برای دستگاه‌های اداری صورت می‌گیرد نمونه‌هایی از این امر است.

۹. بخش دیگری از این دستور به هدف انگیزه دهی و ایجاد شور انقلابی صورت گرفته است. مشخص است که نیروهای جوان اگر در کنار خط دهی صحیح، شور و انگیزه‌ی جدی نداشته باشند امکان بروز سرخوردگی و انفعال در میان آنها وجود دارد. رهبر معظم انقلاب که رهبر ملت ایران و خصوصا رهبر جوانانی است که بخش عمده‌ای از تحقق اهداف انقلاب به دوش آنهاست، باید انگیزه و شور انقلابی را در دل‌های آنها زنده نگاه دارد.

۱۰. مشخص است که رهبری معظم انقلاب با مبانی فکری و سابقه‌ی طولانی فعالیت کلان ایشان در رهبری نظام فردی کاملا نظام‌مند هستند و در نظام فکری ایشان حرکت‌های تخریبی ضد نظم و یا خودسرانه‌ی ضد نهادی جایی ندارد. این دستور نیز استثنایی بر گذشته نیست. «آتش به اختیار» بودن افسران جنگ نرم به معنی فعالیت تخریبی و ایجاد گسیختگی در نهادهای نظام اسلامی نبوده و نیست. مشخص است که قانون، ارزش‌های اصیل انقلاب اسلامی، اهداف کلان نظام و بسیاری عناصر دیگر باید

مورد توجه افسران جنگ نرم باشد. مصالح و منافع ملی نظام اسلامی باید مورد توجه این افسران جنگ نرم باشد و مشخص است که رهبری با اعتمادی که به این جوانان نشان دادند گامی در پخته‌تر شدن آنها در حرکتهای فکری و فرهنگی و سیاسی برداشته شده است.